



«شیخ بهایی» عالمی که پیش از وفات از مرگ خود مطلع شد

شیخ بهایی به همراه گروهی از شاگردانش برای خواندن فاتحه به قبرستان رفت. به قبر بابارکن‌الدین رسید، آوایی شنید که سخت او را تکان داد.

شیخ بهایی به همراه گروهی از شاگردانش برای خواندن فاتحه به قبرستان رفت. به قبر بابارکن‌الدین رسید، آوایی شنید که سخت او را تکان داد. از شاگردان پرسید: شنیدید چه گفت: گفتند: نه! شیخ بهایی، بس! از آن، حال، دنگ، داشت. به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، در ادامه معرفی مفاخر و بزرگان شیعه، در این شماره به معرفی «شیخ بهایی» می‌پردازیم. در شماره‌های پیشین «ابن فهد حلی»، «سیدین طاووس»، «سید بحر العلوم»، «شیخ مفید»، «شیخ صدوق»، «شیخ کلینی»، «علامه حلی»، «سید مرتضی»، «سید رضی»، «شیخ طوسی»، «امین الاسلام طبرسی»، «خواجه نصیرالدین طوسی»، «قطب‌الدین راوندی»، «محقق حلی»، «شهید اول» و «شهید ثانی» معرفی شدند. ولادت محمد بن حسین بن عبد الصمد حارثی، معروف به «بهاء الدین» و «شیخ بهایی» از علمای بزرگ و ذوالفنون اسلام و شیعه در سال 953 هجری قمری (ظاهراً 17 ذیحجه) در شهر بعلبک لبنان و به گفته برخی دیگر، در روستای جبع (زادگاه شهید ثانی) به دنیا آمد. نسب‌نسب شیخ بهایی به حارث همدانی، صحابی جلیل‌القدر امیر المؤمنین علی علیه‌السلام می‌رسد. حارث همدانی در جنگ صفین و حمل از یاوران استوار امیر مؤمنان بود. سفر شیخ بهایی به ایران شیخ بهایی در دوران کودکی همراه پدر بزرگوار خود، که از علمای میرز جهان تشیع بود و نزد سلاطین نیز از موقعیت ممتازی برخوردار بود، به ایران سفر کرد. مقداری از تحصیلات خود را در وطن فرا گرفته بود که به اصفهان وارد شد و در آنجا نیز با جدیت تمام به تحصیل علوم مختلف پرداخت. شیخ بهایی در مدت کوتاهی مقبولیت عام یافت و از سوی شاه عباس صفوی، نهایت احترام برای او رعایت می‌شد. شیخ بهایی پس از شیخ علی فشار، منصب شیخ الاسلامی دولت صفویه را عهده‌دار شد و از امکانات این دولت شیعی نهایت استفاده را برای ترویج تشیع نمود. تلاش شیخ بهایی در زمان صفویه حکومت صفویه مذهب شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کرد. علمای بلند آوازه شیعه برای استفاده از این موقعیت طلایی، به دربار صفویه راه یافتند تا بتوانند شاهان صفوی را برای گسترش تشیع به خدمت بگیرند. فرصتهای ناب پیش آمده در دوره صفویه، اندیشه‌وران تیزبین شیعی را بر آن داشت که با تمام تفری که از پادشاهان صفوی داشتند برای ترویج فرهنگ اسلام راستین به دربار راه یابند و خدمتهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شایانی بنمایند. تشویق پادشاهان صفوی به باز سازی و احداث مساجد، مدارس علمیه، زیارتگاه‌ها، کاروانسراها و... از فعالیت‌های علمای شیعی است. با تلاش جانفروای این اندیشوران، صفویه بستر مناسبی برای جریان یافتن رود بر تلاطم فرهنگ عاشورا گردید و حوزه‌های علمیه شیعه با تلاش آنها جان گرفت و ایران میزبان فقیهان بزرگ جهان شد. کوشش بی‌امان علمای شیعه دستاوردهای بسیار گرانبهائی در برداشت. همکاری مجتهدان شیعه با پادشاهان صفوی فقط و فقط برای ترویج دین بود. گفتار امام خمینی (ره) درباره علمای دوران صفویه حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «یک طایفه از علما، اینها گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شده‌اند به یک سلاطینی، با اینکه می‌دیدند که مردم مخالفند لکن برای ترویج دیانت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق اینها متصل شده‌اند به یک سلاطینی، و این سلاطین را وادار کرده‌اند - خواهی نخواهی - برای ترویج مذهب، مذهب دیانت، مذهب تشیع. اینها آخوند درباری نبودند. این اشتباهی است که بعض نویسندگان ما می‌کنند. سلاطین اطرافیان آقایان بودند. الآن هم حجره شاه سلطان حسین در چهارباغ اصفهان، در مدرسه چهارباغ اصفهان، الآن هم حجره‌اش هست. اینها او را کشاندنش تو [ی] حجره نه اینکه او اینها را کشیده است دنبال خودش. اینها اغراض سیاسی داشتند، اغراض دینی داشتند. نباید یک کسی تا به گوشش خورد که مثلاً مجلسی - رضوان الله علیه - محقق ثانی - رضوان الله علیه - نمی‌دانم شیخ بهائی - رضوان الله علیه - با اینها روابط داشتند و می‌رفتند سراغ اینها همراهی شان می‌کردند، خیال کنند که اینها مانده بودند برای جاه و - عرض می‌کنم - عزت، و احتیاج داشتند به اینکه شاه سلطان حسین و شاه عباس به آنها عنایتی بکنند! این حرفها نبوده در کار. آنها گذشت کردند؛ یک گذشت، یک مجاهده نفسانی کرده‌اند برای اینکه این مذهب را به وسیله آنها، به دست آنها [ترویج کنند]». شیخ بهایی با اینکه در دربار بود، زاهدانه می‌زیست. خانه‌اش پناهگاه فقیران و نیازمندان بود. او از قدرتی که در دربار داشت برای گشایش کار مردم استفاده می‌کرد. سیاست او هدایت کارگزاران حکومت صفوی بود و در این راه تا اندازه‌ای موفق شد. سفرهای طولانی شیخ بهایی پس از مدتی قصد سفر کرد و مسافرتی طولانی را آغاز نمود. یکی از عواملی که باعث این سفر شد علاقه شیخ بهایی به سیاحت و دیدن و تجربه اندوزی بود. عامل دیگر که سهم مهمی در این سفرها داشت حسادت اطرافیان بود که نمی‌توانستند موقعیت و احترام شیخ بهایی را در دربار صفوی تحمل کنند. (شیخ در بعضی نوشته‌های خود به این مطلب اشاره کرده است.) شیخ بهایی که اوضاع را چنین می‌دید برای رهایی از حسادت اطرافیان با عزت اختیار می‌کرد با برای مدتی دست به سفر می‌زد. شیخ بهایی، حدود 30 سال از عمر خود را در سفر گذراند و به شهرها و کشورهای گوناگون سفر نمود، از جمله: 1- اولین سفر او از بعلبک به اصفهان بود که تا رسیدن به مراتب بالای علمی در آنجا سکنی گزید. 2- به سبب عواملی که ذکر شد از اصفهان به عراق و حجاز رفت و عتبات عالیات را زیارت نموده و حج خانه خدا را نیز به انجام رساند. 3- در سفری به مشهد مقدس همراه شاه عباس، فاصله اصفهان تا مشهد رضوی را پیاده طی نمود. 4- سفری به کشور مصر داشت و در آنجا کتاب معروف خود، کشکول را تألیف کرد. 5- سفر به کشورهای روم و شام و بیت المقدس را پس از مراجعت از مصر در دستور کار خود قرار داد. 6- از شام عازم حلب شد و در پایان عمر خویش به اصفهان برگشت و سالیانی چند در آن دیار ساکن شد. متأسفانه جز چند یادداشت مختصر توسط بعضی اطرافیان و

همراهان شیخ، سفرنامه‌ای از این سفر 30 ساله شیخ به دست ما نرسیده، در حالی که اگر شیخ در طول سفرهای خود سفرنامه‌ای تهیه می‌نمود یکی از گرانقدرترین و با ارزش‌ترین اسناد تاریخی گشته و سفرنامه‌ای منحصر به فرد می‌شد. شیخ در این سفرها بیشتر به لباس سیاحان و مردم عادی سفر می‌کرد و ناشناس بود. مطالبی از بزرگان حلب و شام و... در دست است که شیخ بهایی را در لباس سیاحان دیده‌اند و هنگامی که شیخ بهایی در جلسه‌ای لب به سخن گشوده، از فضائش او را شناخته‌اند و شیخ فوراً آن شهر را ترک گفته که نزد عموم شناخته نشود. **جامعیت علمی، اجتماعی و سیاسی شیخ بهایی** یکی از خصایص شیخ بهایی جامعیتش در علوم و فنون مختلف است. بسیار جامع بود و آثارش نیز گویای این مطلب است. در علوم اصول، فقه، منطق، کلام، فلسفه، حدیث، رجال، هیئت، ریاضیات، عرفان، شعر و ادبیات و علوم غریبه تبحر داشت. کتاب‌های متعدد و رساله‌های گوناگونی از شیخ بهایی در سیاست، حدیث، ریاضی، اخلاق، نجوم، عرفان، فقه، مهندسی و هنر و فیزیک بر جای مانده است. به پاس خدمات وی به علم ستاره‌شناسی، یونسکو سال 2009 را به نام او سال «# نجوم و شیخ بهایی نامگذاری کرد. در عرصه اجتماعی، شیخ بهایی منصب شیخ الاسلامی دولت صفویه را عهده‌دار شد و از امکانات این دولت شیعی نهایت استفاده را برای ترویج تشیع نمود. **خدمات عمرانی شیخ بهایی** هنر معماری شیخ بهایی یادگارهای زیادی دارد که در تاریخ اصفهان و ایران، بلکه جهان، پرآوازه است. این دانشمند بزرگ، در این زمینه منشأ آثار گران قدری شد که مهمترین خدمات شیخ بهایی در رونق بخشیدن به شهر اصفهان عبارتند از: مسجد امام، ساعت شاخص اوقات شرعی، حمام شیخ بهایی، شهر نجف آباد و طرح تقسیم آب زاینده‌رود. آثار معماری و مهندسی شیخ بهایی را از حیث انتساب می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اول، آثاری که نسبت آنها به شیخ، قوی است، مانند اثر مهندسی تقسیم آب زاینده رود برای هفت ناحیه از نواحی اصفهان که خصوصیات آن به تفصیل در سندی که به طومار شیخ بهایی شهرت دارد آمده است. دوم، آثاری که به گزارش منابع مختلف به شیخ بهایی منتسب است، مانند طراحی کاریز نجف آباد معروف به قنات زرین کمر، تعیین دقیق قبله مسجد امام اصفهان، طراحی نقشه حصار نجف، طراحی و ساخت شاخص ظهر شرعی در مغرب مسجد شاه اصفهان و نیز در صحن حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام، طرح دیواری در صحن حرم حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف به قسمی که زوال شمس را در تمام ایام سال مشخص می‌کند، طراحی صحن و سرای مشهد مقدس به صورت یک شش ضلعی، اختراع سفیدآب که در اصفهان به سفیدآب شیخ معروف است، ساختن منارجنبان، طراحی گنبد مسجد شاه اصفهان که صدا را هفت مرتبه منعکس می‌کند، و ساختن ساعتی که نیاز به کوک کردن نداشت و حمام معروف شیخ بهایی در اصفهان. **استادان شیخ بهایی** از اساتید شیخ بهایی، اطلاع دقیقی در دست نیست جز آنکه او شاگرد پدر خویش، حسین بن عبد الصمد بوده و از او اجازه روایت دارد. استاد دیگرش، شهید ثانی است. **شاگردان شیخ بهایی** سامی شاگردان شیخ به دهها نفر می‌رسد که در بین آنان علمای والا مقام دیده می‌شود، از جمله: 1- ملا صدرا معروف به صدرالمطالین شیرازی نویسنده کتاب معروف «# حکمت متعالیه در اسفار اربعه و پایه گذار مکتب حکمت متعالیه 2- ملا محسن فیض کاشانی که نظیر شیخ بهایی، مشربی عرفانی دارد 3- فیاض لاهیجی 4- مولا محمد صالح مازندرانی 5- علامه محمد تقی مجلسی، معروف به مجلسی اول 6- سلطان العلماء، صاحب حاشیه بر معالم و شرح لمعه 7- سید حسن بن سید حیدر کرکی و... **تألیفات شیخ بهایی** وجود سفرهای طولانی و منصب‌های اجرایی که شیخ با استفاده از آنها به ترویج مکتب تشیع مبادرت می‌ورزید و کارهای عمرانی فراوان مانند بناهای به یاد ماندنی در شهرهای مختلف از جمله مرقد امیر المؤمنین علیه السلام، مسجد امام اصفهان و...؛ شیخ بهایی هیچ گاه از امر مهم تألیف و تصنیف غافل نمانده به طوری که در علوم مختلف تألیفاتی دارد که رقم آنها به بیش از 80 عنوان می‌رسد. آثارش عبارتند از: 1- اثبات الانوار الالهیه 2- الاثنی عشریات الخمس فی الطهاره و الصلاه و الزکوه و الصوم و الحج 3- الاثنی عشریه فی الحج 4- الاثنی عشریه فی الزکوه و الخمس 5- الاثنی عشریه فی الصلوه 6- الاثنی عشریه فی الصوم 7- الاثنی عشریه فی الطهاره 8- اسرار البلاغه : در حاشیه کتاب (مخلاه) در مصر چاپ شد. 9- الاسطرلاب یا صحیفه - عربی، هیئت 10- اسطرلاب یا (تحفه حاتمیه) یا (هفتاد باب) - فارسی، هیئت 11- بحر الحساب - ریاضیات 12- التحفه فی تحدید الکر و زنا و مساحتا یا (رساله الکر) - یا (مشرق الشمسین) چاپ شد. 13- تشریح الافلاک - در علم هیئت است که در هند و ایران چاپ شد. 14- تضاریر الارض - یا (شرح جغمنی) چاپ شد. 15- توشیح المقاصد یا (توضیح المقاصد): درباره وقایع ایام سال و وفیات علماست که در مصر و ایران چاپ شد. 16- التهذیب یا (تهذیب البیان) - درباره علم نحو 17- جامع عباسی: درباره علم فقه که در ایران چاپ شد. 18- جواب ثلث مسائل عجیه 19- جواب المسائل الشیخ صالح الجزایری 20- جواب المسائل المدنیات 21- حقه القبله 22- حاشیه اثنی عشریه صاحب معالم 23- حاشیه تشریح الافلاک 24- حاشیه تفسیر بیضاوی 25- حاشیه تکمله خفزی 26- حاشیه بر (خلاصه الاقوال) نوشته علامه 27- حاشیه بر (خلاصه الحساب) 28- حاشیه بر کتاب ذکری از شهید اول 29- حاشیه رجال نحاشی 30- حاشیه بر (زبدۃ الاصول) 31- حاشیه بر (شرح عضدی بر مختصر الاصول) 32- حاشیه فهرست شیخ منتجب الدین 33- حاشیه بر (القواعد الکیلیه الاصولیه و الفرغیه) نوشته شهید اول 34- حاشیه تفسیر کشاف زمخشری 35- حاشیه مختلف علامه 36- حاشیه مطول - ادبیات عرب 37- حاشیه معالم العلماء 38- حاشیه من لایحضره الفقیه - حدیث 39- الحبل المتین فی احکام الدین - در حدیث است که در ایران چاپ شده است. 40- حدائق الصالحین فی شرح صحیفه سید الساجدین علیه السلام: از این کتاب فقط بخش کوچکی به نام الحدیقه الهلالیه که شرح دعای ربوبیت هلال است، موجود است که همراه شرح صحیفه سید نعمت الله جزایری، در تهران چاپ شد. 41- الحریری: در حاشیه شرح رسائل آخوند خراسانی، در تهران چاپ شد. 42- حواشی شرح التذکره 43- خلاصه الحساب: درباره حساب، جبر و هندسه که تا چند دهه پیش، جزو کتب درسی بود و در حوزه‌های علمیه و مکتب‌های مدارس جدید تدریس می‌شد. 44- درایه الحدیث یا (الوجیزه فی الدرایه) - یا (خلاصه الاقوال) علامه چاپ شد. 45- رساله احکام سجود التلاوه 46- رساله فی استحباب السوره فی الرد علی بعض معاصره 47- رساله فی ان انوار سائر الکواکب مستفاده من الشمس - درباره اینکه نور سایر سیارات از خورشید گرفته شده است. 48- رساله فی حل اشکالی عطار و القمر 49- رساله فی ذبیح اهل کتاب 50- رساله فی الزکوه عجیه 51- رساله فی الصوم عجیه 52- رساله فی قصر الصلوه فی الاماکن الاربعه یا (فی القصر و التخییر فی السفر) 53- رساله فی معرفه القبله 54- رساله فی الموارث 55- رساله فی نسبه اعظم الجبال

الى قطر الارض 56- رساله القبله 57- زیده الاصول یا (الزیده فی اصول الفقه) 58- سوانح الحجاز یا (سوانح سفر الحجاز) یا (نان و حلوا) 59- شرح اثنی عشره صاحب معالم 60- شرح الاربعین یا (اربعون حدیثا) یا (اربعین بهایی) 61- شرح دعای صباح صحیفه سجاده 62- شرح (شرح جغمینی) قاضی زاده رومی 63- شرح (القرائن النصربه) خواجه نصیر الدین طوسی 64- الصراط المستقیم 65- صمدیه یا (القوائد الصمدیه) - درباره علم نحو که برای برادرش عبدالصمد نوشته است و هنوز در حوزه های علمیه تدریس می شود. 66- العروه الوثقی - در تفسیر سوره حمد که همراه کتاب (مشرق الشمسین) چاپ شد. 67- عین الحیات - تفسیر 68- کشکول - بارها چاپ شده است. 69- المخلاه - مانند کشکول دارای مطالب متنوع است. 70- مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین - فقه، تفسیر و حدیث 71- مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله - دعا 72- مخلص الهیئه 73- وسیله الفوز و الامان فی مدح صاحب الزمان (عج) - شعر 74- شرح تفسیر بیضاوی 75- حل حروف القرآن 76- شرح من لایحضره الفقیه - حدیث 77- ترجمه رساله امامیه به فارسی، رساله امامیه نامه امام رضا علیه السلام به مأمون است. 78- حاشیه بر (شرح تهذیب الاصول) نوشته عمیدی. 79- مختصر اصول، فارسی، چاپ سال 1267 ق. 80- جبر و مقابله 81- رساله در حساب - فارسی 82- فالنامه 83- رساله در کربیت زمین 84- رساله (جوهر فرد): شیخ بهایی با استناد به ریاضی و هندسه با اقامه 9 دلیل، جزء لایتجزی را ابطال کرده است. **اشعار شیخ بهایی** شیخ بهایی از شاعران نامدار دوران صفویه است. وی در اشعارش به بهایی تخلص می کرد. از وی اشعار بسیاری به زبان های فارسی و عربی به یادگار مانده است. **شعری در تفسیر حدیث «حب وطن از ایمان است** «پیامبر گرامی (ص) در روایتی فرموده است: «حب الوطن من الایمان» علاقه به وطن، جزء ایمان است. شیخ بهایی تفسیری بسیار نغز و عمیق از این حدیث ارائه می کند که بسیار در خور تامل است. تقریباً همه افرادی که این حدیث را معنا کرده اند وطن را وطن جغرافیایی و زادگاه دانسته اند، برخی از روشنفکران نیز این حدیث را تاییدی بر ناسیونالیسم، وطن پرستی و ملی گرایی تفسیر کرده اند. اما شیخ بهایی در تفسیری از این حدیث چنین می سراید: این وطن مصر و عراق و شام نیست / این وطن شهری است که نام نیست زانکه از دنیاست این اوطان تمام / مدح دنیا کی کند خیر الانامای خوش آن کو بابد از توفیق بهر / کآورد رو سوی آن بی نام شهر تو در این اوطان غربی ای بسر / خو به غربت کرده ای، خاکت به سرآقدر در شهر تن، مانده ای اسیر / کان وطن یکباره رفت از ضمیر و بتاب از جسم و جان را شاد کن / موطن اصلی خود را یاد کن زین جهان تا آن جهان بسیار نیست / در میان جز یک نفس در کار نیستتا به چندان شاهباز پر فتوح / باز مانی دور از اقلیم روحش ز زیبای دیگری از **شیخ بهایی** تش به جانم افکند، شوق لقای دلدار / از دست رفت صبرم، ای ناقه! پای برداری ساریان، ! خدا را! پیوسته متصل ساز / ایوار را به شبگیر، شبگیر را به ایوار در کیش عشقبازان، راحت روا نباشد / ای دیده! اشک می ریز، ای سینه! باش افکارهر سنگ و خار این راه، سنجاب دان و قاقم / راه زیارت است این، نه راه گشت بازار با زائران محرم، شرط است آنکه باشد / غسل زیارت ما، از اشک چشم خونبار ما عاشقان مستیم، سر را ز پا ندانیم / این نکته ها بگیرد، بر مردمان هشیار در راه عشق اگر سر، بر جای پا نهادیم / بر ما مگیر نکته، ما را ز دست مگذار در فال ما نیاید جز عاشقی و مستی / در کار ما بهائی کرد استخاره صد بار **شیخ بهایی به اشعار حافظ و مولوی علاقه وافری داشت. دیوان اشعار حافظ و مولوی الهام گرفته از آیات و روایات است و مضامین عرفانی بلندی را در بر دارد. شیخ بهایی درباره مولوی چنین سروده است:** من نمی گویم آن عالی جناب / هست پیغمبر، ولی دارد کتابمثنوی معنوی مولوی / هست قرآنی، به لفظ بهلوی (یعنی فارسی) **ماجرای وفات شیخ بهایی** زمانی شیخ بهایی به همراه گروهی از شاگردانش برای خواندن فاتحه به قبرستان رفت. بر سر قبرها می نشست و فاتحهای نثار گذشتگان می کرد تا اینکه به قبر بابا رکن الدین رسید. آوایی شنید که سخت او را تکان داد. از شاگردان پرسید: شنیدید چه گفت: گفتند: نه! شیخ بهایی پس از آن، حال دیگری داشت و همواره در حال دعا و گریه و زاری بود. مدتی بعد، شاگردانش از او پرسیدند آن روز چه شنیدی؟ گفت: به من گفتند آماده مرگ باشم. شش ماه گذشت و دوازدهم شوال 1030 قمری (یا 1031 ق) فرا رسید و روح ملکوتی آن عارف و عالم بزرگ به سوی معبود پر کشید. بیش از 50 هزار نفر در تشییع جنازه او شرکت داشتند. اصفهان پایتخت صفویه غرق در ماتم بود. علامه محمد تقی مجلسی بر وی نماز گزارد و سپس بیکرش را به مشهد مقدس بردند و بنا به وصیتش در جوار مرقد امام رضا علیه السلام به خاک سپردند. اکنون آرامگاه شیخ بهایی (ره) در یکی از رواق های حرم مطهر امام رضا علیه السلام قرار دارد.